

ضرورت تعلیم و تربیت زنان در اندیشه قاسم امین مصری و پروین اعتصامی

فاطمه مرادی*

تاریخ دریافت: ۹۲/۴/۳

رضا سمیع زاده**

تاریخ پذیرش: ۹۲/۹/۱۵

چکیده

پروین اعتصامی از شاعران گرانمایه معاصر ایران زمین است که با بیان نکات مختلف از جمله تعلیم و تربیت زنان در شعرهای خود، برجستگی خاصی یافته است و از جمله زنان باشاهمی است که تحت تأثیر تربیت پدر ارجمندی چون یوسف اعتصام‌الملک و در سایه دانش و ترجمه‌های او از زبان‌های مختلف، بالید و به شکوفایی و کمال رسید.

کتاب «تحریر المرأة» اثر قاسم امین مصری درباره آزادی و تعلیم و تربیت زنان است که یوسف اعتصام‌الملک از زبان عربی به فارسی ترجمه و بخش‌هایی از آن را با نام «تربیت نسوان» در ایران منتشر کرده است.

در این مقاله سعی شده است اندیشه‌های قاسم امین مصری درباره ضرورت تعلیم و تربیت زنان و تأثیر آن در شعر و اندیشه پروین؛ همچنین زندگی، آثار، اندیشه‌ها و آرمان‌های آنان بررسی شود؛ با این سؤالات که: آیا پروین در همه زمینه‌های شعری خود تحت تأثیر این متفکر و نویسنده مصری بوده است یا خیر؛ و اگر بوده تا چه میزان و به چه صورتی بوده است؟ همچنین تفاوت‌های این بینش در چه بخش‌هایی است؟ که در این نوشتار، یکی از تفاوت‌های بینش پروین با قاسم امین، توجه پروین به ظرافت‌های وجودی زنان ایرانی، بدون تقلید صرف از زنان غربی، تشخیص داده شده است.

کلیدواژه‌ها: تعلیم و تربیت زنان، قاسم امین مصری، پروین اعتصامی.

* دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین (نویسنده مسئول).
dr.moradi91@yahoo.com

** عضو هیئت علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین (استاد).

مقدمه

دست چپت از راست ندارد کم و کاست می کرد اگر کار، قوی بود چو راست
گر زن نبود چو مرد، تقصیر شماست از بهر زنان، علم و هنر باید خواست
(محمد هاشم، ۱۳۲۱: ۶۳)

ادبیات تطبیقی، یکی از دانش‌های نوپا، مفید و کارآمد در حوزه ادبیات جهان است که ادبیات ملل مختلف را به صورت مجموعه‌ای بهم پیوسته و مقوله‌ای واحد با اختلافات ظاهری و زبانی مورد بررسی قرار می‌دهد و ضمن شناختن و شناساندن ادبیات بومی، روابط و مناسبات آن را با ادبیات جهان نمایان می‌سازد و از این رهگذر، علاوه بر اینکه سطح دانش و معلومات افراد را ارتقا می‌دهد، موجب رشد و بالندگی ادب‌دوستان نیز می‌گردد (ممتحن و بهمنی، ۱۳۹۱: ۸).

روابط متقابل ادبی و علمی و فرهنگی بین ملل، از زمان‌های گذشته همواره مرسوم بوده است. در این میان، رابطه فرهنگی ایران و مصر در طول تاریخ، شایان توجه است؛ به ویژه از عصر مشروطه به بعد و عصر نهضت ادبی در ادبیات عرب که به دلیل شباهت اوضاع سیاسی-اجتماعی کشورهای عربی و ایران در این دوران، مسائل جامعه، گذر از سنت به مدرنیته، ادبیات و دغدغه‌های شاعران و ادیبان، با مسائل جدیدی چون دموکراسی، آزادی بیان، تعلیم و تربیت زنان، کاهش محدودیت‌ها و... روبه‌رو بوده است.

به نظر می‌رسد که بحث درباره آزادی و تعلیم و تربیت زنان، پیش از آنکه در ایران طرح شود، در مصر مطرح شد و به تدریج به سایر کشورهای عربی نفوذ کرد.

۱. نهضت تعلیم و تربیت زنان در جهان

با گذشت دوران اختناق شدید و مردسالاری، کم‌کم حامیان حقوق زن در اروپا بر آن شدند تا این جدایی سهمگین را از میان بردارند. اولین کشورهایی که در این زمینه

آستین همّت بالا زدند کشورهای: اسپانیا، فرانسه و انگلیس بودند. در قرن هفدهم، شعاع طرفداران آزادی زن این بود که زن‌ها باید به تحصیل علم و آموزش پردازند تا آمار دانشمندان و ادبا و صاحبان فنون، مانند مردان فراوان شود و از این راه، مقام و منزلت زن ترفیع یافته و به حقوق حقیقی خود نائل شود (بطحایی، ۱۳۸۶: ۱۱۴).

خلاصه سخن آنها این بود که می‌گفتند: خداوند جنس زن و مرد را یکسان آفریده، پس فرقی با یکدیگر ندارند. باید هر دو در مسابقه مزایا شرکت داده شوند تا هر کس گوی سبقت را ربود، امتیاز از آن او باشد. آنها برای اثبات نظریه خود در فرانسه و انگلیس و آلمان جلساتی تشکیل داده و خواهان برابری حقوق زن‌ها با مردها شدند؛ اما مخالفین آنها که معتقد بودند زن از نظر هوی و هوس متغیر است و ثابت نیست، می‌گفتند: زن‌ها از مردها خوشبخت‌ترند و همان احترامی که به زن گذاشته می‌شود و دارای حجاب و پوشش است، برای او کفایت می‌کند و بیش از آن را لازم ندارد. از جمله مخالفین آزادی زن در قرن هشتم، مونتسکیو، روسو، دیدرو و آگوست کنت بودند (کخاله، ۱۳۹۹ق: ۱۱). این تعارض و تهافت همچنان ادامه داشت، تا اینکه آمریکا به استقلال دست یافت و فرانسه انقلاب نمود؛ و این خود، کمکی بزرگ به زن‌های آزادی‌خواه و خواستار برابری، شد (همان: ۲۰). اما هنگامی که ناپلئون بناپارت رئیس جمهور فرانسه شد، ندای آزادی‌خواهی زن را در تمام فرانسه خاموش کرد، توجیه او این بود که زن باید در کنج خانه بنشیند و حافظ اموال مرد باشد و فرزند تربیت کند؛ ولیکن شیوه ناپلئون دوام نیافت؛ و طرفداران نهضت نسوانی در اروپای قرن هجدهم-که می‌توان آن را قرن نهضت بیداری زن‌ها نامید، علی‌رغم محدودیت و انحطاطی که داشتند، وارد مرحله جدیدی از حریت و آزادی شدند. بنابراین، زنانی که در اواخر قرن هیجدهم در علوم و فنون اجازه یافته و وارد شده بودند و از علم و دانش بهره‌ای برده بودند، در قرن نوزدهم بر علاقه آنها در تحصیل علم و دانش و فنون و صنعت و هنر افزوده شد و مرحله تئوری و آموزشی را پشت سر گذاشته و در قرن بیستم وارد مرحله عمل شدند و بسیاری از حقوق خود را به دست آوردند. در

سوئد و انگلیس و در ایالات متحده آمریکا تمام درهای مشاغل عامه به‌طور مساوی به روی زن‌ها باز شد و در استرالیا و زلاند نو، زن‌ها بدون منازعه در تمام حقوق شرکت یافتند؛ خلاصه اینکه در بیشتر کشورهای اروپائی، به مساوات حقوق سیاسی، اقتصادی و اداری زن‌ها اعتراف شد (همان: ۲۲).

۲. تعلیم و تربیت زنان در ایران و در عصر قاجار

مسئله تعلیم و تربیت زنان و آزادی آنان از مواردی بود که همیشه روشنفکران و آزادی‌خواهان را نگران می‌کرد. به نظر می‌رسد نخستین اشاره‌ها به تعلیم و تربیت همه جانبه زنان در عصر قاجار، دیدگاهی است که بی‌بی‌خانم استرآبادی نویسنده کتاب «معایب الرجال» در جواب نویسنده کتاب «تأدیب النسوان» ارائه می‌کند. وی در شرط تربیت می‌نویسد: چون انواع و اقسام از خواص و عوام، زن و مرد، خوب و بد، هر دو می‌باشند، صفات حمیده و رذیله از همه مشاهده می‌شود. پس اگر باید تربیت بشوند، همه باید بشوند. تربیت هم موقوف به تمام قوانین تمدن، تدین، ملتیه و دولتی، شرعی و عرفیه، کشوری و لشکریه است (استرآبادی، ۱۳۱۲: ۶۲). پس نه هر مردی از هر زنی فزون‌تر است و نه هر زنی از هر مردی فروتر. مریم و زهرا و آسیه و خدیجه کبری از زنانند و فرعون و هامان و شمر از مردان (ستاری، ۱۳۷۵: ۱۱۴).

با این حال با توجه به قراین فراوان در می‌یابیم که در دوران قاجار نیز، به تعلیم و تربیت زنان چندان توجهی نمی‌شد و تنها دختران خانواده‌های اشرافی پیش‌ملائی سرخانه که بیشتر هم‌زن بود، قرآن و تا اندازه‌ای خواندن و نوشتن را یاد می‌گرفتند (آرین‌پور، ۱۳۸۲: ۵). اما کم‌کم زمزمه‌های مشروطه و آزادی، زمینه را برای طرح مسائل جدید ایجاد کرد. با نهضت ترجمه آثار مختلف زبان‌های دیگر به زبان فارسی این زمزمه‌ها صورت عملی به خود گرفت. در این زمان افرادی چون قاسم امین و سعد زغلول در مصر و کسان دیگری در ترکیه و قفقاز، سرنوشت غم‌انگیز زنان شرق را در خانه و جامعه موضوع بحث قرار دادند و برخی از آنها چون منفلوطی نیز با

ایستادگی در مقابل تهاجم غرب، بر تقدّم پرورش و تربیت زنان در مقابل امر آموزش و تخصّص آنها تأکید کردند و معتقد بودند که اوّل باید به تزکیه و تربیت زنان و بعد به تعلیم و آموزش آنها پرداخت: «نَحْنُ نَعْلَمُ كَمَا تَعْلَمُونَ أَنَّ الْمَرْأَةَ فِي حَاجَةٍ إِلَى الْعِلْمِ فَلْيُهْدَبْهَا أَبُوهَا وَ أَخُوهَا فَالْتَهْدِيبُ أَنْفَعُ لَهَا مِنَ الْعِلْمِ» (المنفلوطی، ۱۹۵۶م: ۴۶). این گروه از ادبا براین باور بودند که زنان جامعه نیز همچون مردان، نیاز به آموزش و پرورش دارند؛ اما این آموزش و پرورش نباید به قیمت فداکردن اعتقادات دینی و سنّت‌های اجتماعی تمام شود. آنان می‌خواستند تعلیم و تربیت زن، همراه با حفظ سنّت‌ها و بایدها و نبایدهای اصیل اجتماعی جامعه خود- که ریشه در اعتقادات دینی آنها دارد- انجام گیرد.

در پی تحرّکات زنان در عصر مشروطه، تکاپوها و چالش‌های فرهنگی انطباق‌آمیز آنان با فرهنگ تجدّدطلب غرب و تحوّل اندیشه و نگاه به زنان و نیز دگرگونی انتظارات جامعه و زنان نسبت به هم، کم‌کم انجمن‌ها و نشریات زنانه گسترشی چشمگیر یافتند و زنان، در صدد جانداختن اندیشه‌های خود در سطح اجتماع برآمدند. پس از عهد مشروطیت، نخستین کسی که موضوع حقوق زنان را پیش کشید؛ دهخدا، نویسنده روزنامه «صوراسرافیل» بود. او در مقالات «چرند و پرند»، در چند جا، به این مطلب پرداخت و مسئله ازدواج‌های اجباری و نابه‌هنگام، ظلم و استبداد پدر و مادر و شوهر، تعدّد زوجات، و خرافات و تعصّبات زنانه را با لحن طنز و طعن مورد بحث و انتقاد قرار داد. همچنین، در آن زمان، سیّد اشرف‌الدین حسینی، مدیر روزنامه «نسیم شمال»، برخی از شعرهای خود را به تربیت و حقوق زنان و دختران ایرانی اختصاص داد (آرین‌پور، ۱۳۸۲ب: ۸). در سال‌های ۱۲۹۸/۱۲۹۹ش، نیز دو تن از دانشمندان آذربایجان یک سلسله مقاله‌های سودمند درباره زنان نوشتند و این مقالات با امضای مستعار «فمینیست» و «فمینا» در روزنامه «تجدّد»، ارگان «حزب دمکرات آذربایجان»، منتشر شد. در آن سال‌ها شاعران و نویسندگان بنام ایران، هریک، مقداری از آثار خود را به موضوع تربیت و آزادی زنان و تساوی حقوق آنان

در خانواده و جامعه اختصاص دادند؛ به طوری که می توان گفت در این اوقات، هیچ شاعر و نویسنده‌ای نبوده که کمابیش به این مطلب نپرداخته باشد. لاهوتی، ایرج، عشقی، پروین، بهار، شهریار و دیگران، هریک شعرهای زیبای فراوانی برای مسئله زن وقف کردند و همگی با موهومات و خرافات و تعصباتی که بر دوش زنان سنگینی می کرد، مبارزه و جهاد نمودند (همان: ۱۰). لاهوتی، در قصیده مفصلی که در بهمن ۱۲۹۶ش در استانبول سروده - و قدیمی ترین شعر او در این زمینه است - دختران ایران را به دانش و آزادی و انجام وظایف اجتماعی دعوت کرده است. عارف نیز که از پیشگامان دفاع از حقوق و آزادی زنان بود، در غزلها و تصنیفهای خود به طور جدی به حمایت از زنان برخاست. عشقی هم در اشعار خود، گوشه‌ای از سرنوشت فلاکت بار زن ایرانی را نشان داد؛ و ایرج بیش از هر کسی حق زنان را ادا کرد. قطعه «مادر» و بیت‌های زیادی از مثنوی «عارف‌نامه» و چندین غزل و قطعه و مثنوی او، همه گل‌های زیبایی هستند که شاعر به پای پیکره آزادی و رهایی دختران ایران نثار کرده است (همان: ۱۰-۱۱). همچنین افرادی چون حاج میرزا ابوالقاسم آزاد مراغه‌ای از دیگر روشنفکرانی بودند که معتقد بودند در این روزگار پُرولوله، کامیابی فقط مخصوص افراد و ملل دانشمند است و چاره تمام دردهای ایران، همانا بازکردن درهای معارف به روی عموم زنان و مردان است؛ که در این میان، باید گفت تعلیم و تربیت نسوان، مقدم بر رجال است (آزاد مراغه‌ای، ۱۳۰۸: ۸).

پس از مشروطیت، روزنامه‌ها و مجلات عصر قاجار هم در سطحی وسیع، از نیازهای جامعه به تحصیل دختران سخن راندند. از جمله این نشریات، روزنامه کاوه بود که در برلین چاپ می شد. در مقاله‌ای که در این روزنامه با عنوان «اساس انقلاب اجتماعی؛ تربیت زنان» به قلم همسر اروپایی محمدعلی جمالزاده - نویسنده معروف - به نام ژزی خانم (ژوزفین) نوشته شده است، نکاتی به چشم می خورد که حائز اهمیت است. مطلب وی شامل اظهار مسرت از گسترش مدارس دخترانه در تهران، تأکید بر حقوق و تکالیف زنان همچون مردان در جامعه، مقایسه پیشرفت‌های زنان اروپا و

آمریکا با دیگر نقاط دنیا، تأکید بر پیشرو بودن زنان ژاپنی در آسیا با تأسیس دارالفنون زنان و نیز بیان مطالبی در ردّ نظریات کسانی که کم‌وزنی مغز زنان را دلیل نقص آنان می‌دانند، بود (ژرفین، ۱۳۳۸: ۶). او سپس به دسته‌بندی گروه‌های مخالف با آزادی و تعلیم و تربیت زنان پرداخته و به این نتیجه می‌رسد که با تربیت و تعلیم زنان، علاوه بر محیط خانوادگی، کشور نیز از تبعات تربیت علمی آنان برخوردار خواهد شد و نهایت اینکه، خوشبختی و بدبختی زنان، در گرو تلاش آنان است (همان: ۷). مجله‌ی عالم نسوان هم، در مقاله‌ای با عنوان «فقر ابدی، نتیجه بی‌علمی است»، ضمن تشبیه علم به گنج شایگان، به وصف حال زنانی می‌پردازد که به خاطر عقاید خانوادگی و تعصبات ناشی از آن، دور از علم و تحصیل مانده‌اند (دولت‌آبادی، ۱۳۰۶: ۸). در مقاله‌ای با عنوان «نقش تعلیم و تربیت در عفت و پاکدامنی زنان» نیز آمده است؛ بی‌سوادی و جهل زنان و نداشتن تربیت صحیح خانوادگی مردان، از عوامل قوی انحطاط اخلاقی به‌شمار می‌روند و از این‌رو علاقه‌مندان به این آب و خاک، باید توجه کامل‌تری به تربیت زنان نمایند (شیرازی، ۱۳۱۱: ۷).

نورالهدی منگنه نیز از زنانی بود که در مقاله «لزوم تربیت نسوان»، اعتلا و ترقی زنان در راه تمدن را در سه محور علم، تربیت و اخلاق ذکر می‌کند که با تحقق آن، در فرزندان و اطفال آنان نیز متجلی خواهد شد (منگنه، ۱۳۰۲: ۹). از سوی دیگر، در پی گسترش مدارس دخترانه در سال ۱۳۲۹ ه.ق. کم‌کم عده بیشتری، خواهان تأسیس مدارس خانه‌داری و تربیت اطفال برای زنان در ایران شدند. به این ترتیب، این نوع تلاش‌های فرهنگی زنان، مهم‌ترین دستاورد برای آمادگی اذهان عمومی در جهت تحصیل و تعلیم زنان توسط خود آنها بود.

در کشورهای عربی نیز در این دوران، نوعی نثر اجتماعی به‌وجود آمد که اصلاح مفاسد جامعه و آزادی زن و بهبود تعلیم جوانان و زنان عرب و... اصلی‌ترین نکته آن بود (رستگار فسایی، ۱۳۸۰: ۸۲). چنین بود که کم‌کم با تأسیس مدارس دخترانه، تلاش در جهت آزادی و تعلیم و تربیت زنان در کشورهای عربی و بعد در ایران،

شکل جدی‌تری به خود گرفت. می‌توان گفت؛ در سال ۱۳۱۸ هـ.ق. در ایران، با ترجمه بخشی از کتاب «تحریر المرأة» اثر قاسم امین مصری به زبان فارسی با نام جدید «تربیت نسوان»، به دست یوسف اعتصام‌الملک، سخن درباره حقوق و آزادی زنان و تعلیم و تربیت نوین و لزوم تعمیم آن به زن و مرد در ادبیات این دوره به شکلی گسترده‌تر از پیش، مطرح شد؛ به‌ویژه با ظهور صنعت چاپ و نشر و مطبوعات و نیز ضرورت آگاهی همه مردم از مسائل سیاسی و حوادث جاری، نیاز به سوادآموزی همگانی بیش‌ازپیش احساس می‌شد (یا حقی، ۱۳۷۶: ۲۱). گفتنی است؛ کتاب تربیت نسوان، در روزگار تعصب عام و بی‌خبری عموم از اهمیت پرورش بانوان در جامعه ایرانی رخ نمود و به قول علامه دهخدا در مقدمه «بهار»، این کار در زمینه حقوق و آزادی زنان، نمونه یکی از نوادر شجاعت‌های ادبی و همسنگ «قولوا لا اله الا الله تفلحوا» در جبل حراء بود و به شهادت تاریخ، یوسف اعتصامی در ایران، اولین کسی است که لوای این حریت را افراشته و بذر این شجر بارور را کاشته است (اعتصامی، ۱۳۲۱: ۵). کتاب تربیت نسوان او که ترجمه‌ای بود از «تحریر المرأة» قاسم امین مصری، در آن روزگار تعصب عام، کار بزرگی بود (آرین‌پور، ۱۳۸۲ الف: ۱۱۳). بنابراین، ترجمه و چاپ کتاب‌های اروپایی و صدها روابط ادبی و هنری و فرهنگی دیگر، موجب شد در ادبیات این دوره، یک نوع تازگی و نوری به وجود آید... که در دوره‌های دیگر ایران چنین بارز نیست (حقیقت رفیع، ۱۳۶۸: ۵).

۳. قاسم امین مصری

مرحوم قاسم امین مصری، نویسنده کتاب «تحریر المرأة» و «المرأة الجديدة» در سال ۱۸۶۵ مسیحی (۱۲۸۲ هـ.ق) متولد شد. پدر او یکی از امرای گُرد بود که به‌عنوان گروگان در اثر اختلافی که بین دولت عثمانی و اکراد روی داده بود به اسلامبول رفت و سپس در زمان اسماعیل پاشا به مصر آمد و در ارتش آنجا به خدمت مشغول شد و به درجات عالی رسید (امین مصری، ۱۳۱۶: ۸). در «تاریخ الادب العربی» آمده است

که قاسم امین در مصر زاده شد و در مدارس آنجا تعلیم یافت و سپس برای تعلیم در رشته حقوق به پاریس رفت و پس از بازگشت به مصر، در دادگاه مختلط مصر وکیل عمومی شد و کم‌کم ارتقا یافت؛ تا اینکه مستشار دادگاه استیناف شد و تا زمان وفات خود یعنی سال ۱۹۰۸ م. / ۱۳۲۶ ق. در همین شغل باقی بود (الفاخوری، ۱۳۸۷: ۱۰۵۳).

قاسم امین، علاوه بر تربیت در مصر در عصر اصلاح‌گری؛ و شاگردی یکی از رهبران اصلاح‌طلب، یعنی محمد عبده، در فرانسه تحصیل کرد و همین نکته می‌تواند در نحوه نگرش او به زن و تعلیم و تربیت او، تأثیر خاص خود را گذاشته باشد (جعفریان، ۱۳۸۰: ۶۷). در نگاه امین، تعلیم و تربیت، صرف آموزش خواندن و نوشتن نیست؛ بلکه افزودن بر قدرت درک عقلی زن است تا بتواند از اوام دور شود و زندگی بهتری برای خود و خانواده تدارک ببیند (امین مصری، ۱۹۹۴ م: ۱۸). او کم‌حرف و بسیار فکر و مطلع از قوانین و باصراحت لهجه بود و شغل قضاوت نیز او را عادت داده بود که پیوسته حق‌گو و حقیقت‌جو باشد و بی‌هراس، رأی و عقیده خود را بازگوید. در روزگاری که او در اروپا بود، از احوال ملل شرقی خبر یافت و آرزو کرد که ملتش مانند آنها شود... و دریافت که هیچ اصلاحی در جامعه پیش از اصلاح خانواده به دست نخواهد آمد؛ زیرا ملت چیزی نیست جز اجتماع چندین خانواده و آن‌طور خواهد بود که خانواده می‌باشد و خانواده آن‌طور است که زن خواسته و پرورش داده است. بنابراین، اصلاح زن مسلمان را از هر چیز لازم‌تر دیده و دانسته است (همو، ۱۳۱۶: ۹). به عقیده او، زن با مرد اختلافی ندارد جز در آنچه لازمه اختلاف صنفی است و تعلیم علوم عقلی و طبیعی، زن را به ادای واجبات خانگی و ترقی روح فرزند کمک و مدد می‌دهد... ضعف و انحطاط مسلمین، ناشی از ضعف خانواده است و خانواده از ناتوانی و نادانی زن، ضعیف و ناتوان گشته است (همان: ۱۲). او اندیشه‌های خود را درباره زن و آزادی و تعلیم و تربیت او، در دو کتاب «تحریر المرأة» و «المرأة الجديدة» بیان کرده است. چاپ این دو کتاب، هنگامی بود که جهان عرب در آغاز سده بیستم، شاهد مبارزات و مناقشات فکری بود.

کتاب «تحریر المرأة» افزون بر مبارزه‌ای که بین اندیشوران مسایل زنان به راه انداخت، دیدگاه رقابتی و رویکرد مبارزاتی، در روشمندی (متدلوژی) نگاه به مسایل زنان را تحکیم بخشید و تقویت نمود (المیلاد، ۱۳۸۱: ۱۶). درحقیقت، او با این کتاب، یک مبارزه ملایم به نفع آزادی زنان مصر به راه انداخته بود. اگرچه در ابتدا دقت می‌کرد تا خواسته‌هایش دربارهٔ تعلیم و تربیت زنان و پایان‌دادن به کنارماندگی آنان از امور اجتماعی را با استناد به قرآن و شریعت بیان کند؛ بعد که آماج حملات سنت‌گرایان قرار گرفت، چهارچوب اسلامی را رها کرد و تمدن جدید را ضامن دگرگونی زندگی زنان مسلمان دانست (عنایت، ۱۳۶۲: ۱۵۳). دکتر محمد عماره، گردآورندهٔ آثار قاسم امین، می‌گوید: هنگامی که قاسم امین «تحریر المرأة» را در سال ۱۸۹۹ میلادی منتشر کرد، در جامعهٔ مصر و جوامع شرقی، غوغا و هیاهوی عظیمی به‌پا شد. گویی این کتاب، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین جنگ فکری و مناقشات نظری را در قرنی که ظهور کرد در شرق به راه انداخت (عماره، ۱۹۸۹م: ۵۴) و به قول «آلبرت حورانی» کتاب یاد شده، در سرزمین مصر، طوفانی بی‌سابقه برانگیخت (حورانی، ۱۹۹۷م: ۱۷۵). کتابی که بیشترین محتوای آن دربارهٔ تربیت و پرورش زنان است (جدعان، ۱۹۸۸م: ۱۲۶).

با این حال، اگرچه برخی نیز معتقدند پیش از قاسم امین، «زینب فواز» از جنوب لبنان، به دفاع از حقوق زنان و ترسیم مشکلات آنان پرداخته است و بهبودبخشی اوضاع و احوال زنان در خانه و جامعه و در حوزهٔ آموزش و کار را مطالبه کرده و رعایت حقوق زنان را خواستار شده است و معتقدند که او نخستین زن عربی است که در عصر جدید، خواستار حقوق زنان دربارهٔ آموزش و تعلیم و تربیت شده است (حورانی، ۱۹۹۷م: ۱۷۴) و قاسم امین اولین کسی نیست که این عقیده را دارا شد، ولی می‌توان دریافت که تنها قاسم امین است که با اقدام خود به صورت عملی در این زمینه، بر دیگران پیشی جسته و جلو رفته است... (امین مصری، ۱۳۱۶: ۹).

۴. پروین اعتصامی

رخشنده اعتصامی مشهور به پروین اعتصامی، تنها دختر یوسف اعتصامی، در روز ۲۵ اسفند سال ۱۲۸۵ شمسی در تبریز تولد یافت (آرین‌پور، ۱۳۸۲: ب: ۵۳۷) و از ابتدا زیر نظر پدر دانشمندش به رشد پرداخت. در کودکی با پدر به تهران آمد. ادبیات فارسی و ادبیات عرب را نزد وی فراگرفت و از محضر ارباب فضل و دانش که در خانه پدرش گرد می‌آمدند، بهره‌ها یافت و همواره آنان را از قریحه سرشار و استعداد خارق‌العاده خویش دچار حیرت می‌ساخت. در هشت‌سالگی به شعر گفتن پرداخت (نمینی، ۱۳۶۲: ۲۰۳)؛ و مخصوصاً با به‌نظم‌کشیدن قطعات زیبا و لطیفی که پدرش از کتاب‌های خارجی (فرنگی- ترکی و عربی) ترجمه می‌کرد، طبع آزمائی می‌نمود و به پرورش ذوق می‌پرداخت. شعر او درحقیقت از دو سرچشمه ادب کامل و طبع سرشار جوشیدن گرفت و پدر در راهی که پروین می‌خواست در آن راه قدم نهد به او کمک شایانی کرد (برقعی، ۱۳۲۹: ۳۸). پس از آن، به نظر می‌رسد بیشترین چیزی که در روح پروین و اندیشه او کارساز بوده، روزنامه‌ها و مجلات ادبی زمان اوست که در آنها وطن‌دوستی، تربیت زنان، توجه به بیچارگان و... تبلیغ می‌شد و مورد توجه بود. پروین در سخن خویش، راه خود را یافت. حتی در اشعاری که از ناصر خسرو یا سنایی سرمشق گرفته بود، باز هم خودش است که سخن می‌گوید؛ حتی اگر لغت و دست‌آویز کلامش از گذشتگان باشد. در شعر او اگرچه گاهی مضمون از دیگری است؛ حال و هوای پروین و شیوه او، گفتار را به سبک پروین درآورده و صمیمانه کوشیده است تا جامعه دیگران بر تن سخن خویش نکند و از فراخنای اندیشه خود کمک بگیرد و حتی هنگامی که شعر او ترجمه یا نقل مضمون از شاعر بیگانه‌ای به نظر می‌رسد، باز هم کلام وی به قدری صبغه شخصی دارد که به دشواری می‌توان نشانه‌ای از اخذ و اقتباس را در آن یافت (زرین‌کوب، ۱۳۸۷: ۳۶۶).

از نظر لفظی و فنی نیز اشعار او در اوج است، چنان‌که محمد قزوینی درباره این جنبه از شعر پروین با تعجب و تحسین در مجله مهر می‌نویسد: «موضوع تعجب،

جنبه لفظی و فنی اشعار خانم پروین اعتصامی است... که همه می‌دانند موهبتی و فطری نیست، بلکه اکتسابی و نتیجه سال‌ها تحصیل و درس و ممارست و معاشرت با فضلا و ادباست و چنان‌که عرض شد برای طبقه نسوان، وسایل این‌گونه استفادات در ایران کمتر مهیاست، بلکه هیچ مهیا نیست» (مجله مهر، ۱۳۱۴: ۹). او پس از ازدواجی ناموفق و کوتاه با پسرعموی پدر خود که به جدایی منجر شد، مدتی در کتابخانه دانشسرای عالی تهران، سمت کتابداری داشت و به کار سرودن اشعار ناب خود نیز ادامه می‌داد. تا اینکه به علت بیماری حصبه در تهران در ۳۴ سالگی زندگی را بدرود گفت و در قم، در جوار قبر پدر دانشمندش، در مقبره خانوادگی به خاک سپرده شد. در سال ۱۳۱۴ چاپ اول دیوان او، به همت پدرش و با مقدمه ملک‌الشعرا بهار منتشر شد. مضمون شعرهای او در پرورش جان و تن و تربیت و تهذیب نفوس عقول، توانایی بس شگرفی دارد (صفا، ۱۳۴۰: ۲۹۱). شعر او، شعر اوقات و احوال و اشخاص نیست؛ بلکه شعر تربیت و تهذیب و تعمیم اخلاق کریمه و ترانه روح‌افزای مهر و عاطفت و فضیلت و نغمه جذاب سعی و عمل و همت و اقدام است (سرداری‌نیا، ۱۳۷۹: ۹۱). بی‌شک او از نامدارترین و تواناترین گویندگان قدر اول زبان فارسی در دوره معاصر است که با تواناترین گویندگان مرد، برابری کرده و به گواهی اساتید و سخن‌شناسان معاصر، گوی سبقت را از آنان ربوده است. و می‌توان گفت پروین، تنها شاعری است که باید او را سعدی زنان شاعر نامید و به حساب آورد (صدر، ۱۳۳۴: ۳۸).

۵. تعلیم و تربیت زنان در اندیشه و شعرهای پروین

توجه پروین اعتصامی به موضوع زن و تعلیم و تربیت او از جمله مباحث مهمی است که در چند شعر او به طرز بارزی به چشم می‌خورد. نهال آرزو، گنج عفت (زن در ایران) و فرشته اُنس و چند بیت پراکنده دیگر، از جمله این شعرها هستند. با آنکه «پروین» دختری کمرو و خجالتی بوده؛ به «آزادی نسوان» از دل و جان

اعتقاد داشته است و سال‌ها پیش از آنکه به فرمان «رضاشاه» در ۱۷ دیماه ۱۳۱۴، کشف حجاب در ایران عملی شود، او در خردادماه ۱۳۰۳ خورشیدی در خطابه‌ای با عنوان «زن و تاریخ» در روز جشن فارغ‌التحصیلی خود در مدرسه «انائیه آمریکایی تهران»، از ستمی که در طی قرون و اعصار، در شرق و غرب به زنان روا داشته‌اند، سخن گفت؛ و شعر «نهال آرزو» را که خود سروده بود، خواند. شعری که در آن، فریاد برآورد: پستی نسوان ایران جمله از بی‌دانشی است و برتری و رتبت هر انسانی از زن و مرد، از دانستن است؛ و نیز خروشید که: «از چه نسوان از حقوق خویشتن بی‌بهره‌اند؟» (اعتصامی، ۱۳۶۹: بیت ۹) سرودن شعر «نهال آرزو» در آن سال‌ها، آن‌چنان با جو حاکم بر جامعه ایران ناسازگار بود که «اعتصام‌الملک»، پدر «پروین»، در سال ۱۳۱۴ و پیش از کشف حجاب، از آوردن این شعر در چاپ اول دیوان «پروین» خودداری کرد تا غوغای عوام را علیه خود و دخترش برنیانگیزد. اما پروین بار دیگر در ۱۷ دی ۱۳۱۴ وقتی که خبر کشف حجاب و آزادی زنان را شنید، قصیده‌ای در ۲۶ بیت با عنوان «گنج عفت» (زن در ایران) با مطلع زیر سرود:

زن در ایران، پیش‌ازین گویی که ایرانی نبود

پیشه‌اش جز تیره‌روزی و پریشانی نبود

(اعتصامی، ۱۳۵۳: ب ۱) پروین به موضوع «حقوق نسوان» سخت علاقمند بود و خطابه «زن و تاریخ» و قصیده «گنج عفت» (زن در ایران)، «فرشته انس» و «نهال آرزو»ی او، مصداق این مدعاست. وی در این خطابه و شعرها، از تیره‌روزی و پریشان‌حالی و بی‌دانشی زنان شکوه‌ها کرده و امیدوار است که روزی دستی از غیب بیرون بیاید و تربیت و تعلیم حقیقی را به تساوی شامل حال زنان و مردان کند؛ چنان‌که در شعر «نهال آرزو» چنین آرزو می‌کند «تا نگوید کس، پسر، هشیار و دختر، کودن است» (همو، ۱۳۶۹: ب ۶). از مهم‌ترین نکاتی که در اندیشه و شعرهای پروین جالب توجه است، توجه او به

تعلیم و تربیت زنان است که در چند شعر او بسیار بارز است؛ به‌ویژه در شعر «زن در ایران»، که وضعیت اسفبار زنان ایران را بیان کرده و می‌گوید؛ زنان ایرانی چگونه در آن جامعه خفقان‌بار قربانی شده‌اند و هیچ فریادری نداشته‌اند. در نگاه او، زن و مرد یکسان و هر دو رهرو راه هستی‌اند و رهسپاری این راه جز با همراهی و همدردی و هم‌داستانی به انجام نمی‌رسد. او زن را آموزگار هستی و نوربخش و پروراننده گوه‌ر عشق می‌داند که با دست توانا و آموزش درست خود، بزرگ‌مردان را بزرگی می‌آموزد و معتقد است که زنانند که با یک دست، گهواره و با دست دیگر دنیا را به جنبش وامی‌دارند.

در بررسی این دسته از شعرهای پروین، به نکات مهمی می‌رسیم؛ از جمله، توجه زنان به کسب علم و دانش، سادگی و عدم توجه به مسائل ظاهری، توجه به نقش مادری و تأثیر مهم وی در تعلیم و تربیت فرزندان، برابری زن و مرد از لحاظ جوهر انسانیت، توجه به زن به‌عنوان مایه انس و شفقت و حافظ و نگهبان اصلی خانواده (پشمی، ۱۳۸۵: ۱)، توجه به عفت و پاکی زنان، تأکید بر عزت‌یافتن به وسیله شایستگی‌ها، تأکید بر دوری زنان از تقلید، توجه به فضل و ادب به‌عنوان بال و پر رسیدن به مراتب والا و... .

۶. تعلیم و تربیت زنان در نوشته‌های قاسم امین مصری و پروین اعتصامی

با توجه به ترجمه بخشی از کتاب قاسم امین مصری در ایران به دست پدر پروین اعتصامی با نام «تربیت نسوان» و پس از او ترجمه این کتاب از سوی سید احمد مهدب شیرازی با نام «زن و آزادی» در سال ۱۳۱۶ هـ.ش در ایران، درمی‌یابیم که بی‌شک، پروین به وسیله این دو ترجمه با مفاهیم این کتاب آشنا شده و تا حدودی از مطالب آن بهره‌مند گشته است. بدین منظور در زیر به مقایسه بعضی از اندیشه‌های قاسم امین در این کتاب با چند شعر پروین در زمینه تعلیم و تربیت زنان پرداخته‌ایم تا میزان تأثیرپذیری او را از اندیشه‌ها و مطالب این نویسنده مصری دریابیم:

۱. «سستی ما به جایی رسیده است که با هر اندیشه پاک، همین که تازه شمرده شود و مخالف عادت کنونی ما باشد دشمنی ورزیم» (امین مصری، ۱۳۱۶: ۱۷)؛ «بیخ و بن همه معایب زن‌های ما کاهلی و سستی است» (همان: ۶۱).

بساط اهرمن خودپرستی و سستی گر از میان نرود رفته‌ایم ما ز میان

(اعتصامی، ۱۳۵۳: ب ۲۷)

۲. «زن انسانی است مانده مرد. او را با مرد در وظایف اعضا و احساسات و تمام شرایطی که ماده انسانی آن را طالب و مقتضی است، اختلافی نیست؛ مگر اختلاف صنفی» (امین مصری، ۱۳۱۸ق: ۱۵). «ساده لوحان را گمان این است که تربیت زنان ضروری نیست. عجیب‌تر آنکه از یکدیگر سؤال می‌کنند که آیا در شریعت اسلامی، تعلیم نسوان جایز است یا نه؟» (همان: ۱۶) «چنانچه در سرشت مرد نهاده‌اند که به اکتساب علوم اشتغال کند، همچنان زن را نیز همین موهبت ارزانی داشته‌اند تا از گنج رایگان فضیلت بهره برد. در این خصوص فرق زن و مرد چیست؟» (همان: ۲۳) «زن و مرد در عقل یکسانند. آیا توان گفت که خدای تعالی، مرد را به مزیت عقل امتیاز بخشیده و زن را موجودی مهمل و انسانی معطل آفریده است؟» (همان: ۲۴) «اگر دیده بصیرت باز کنیم و به سوی بلاد مغرب نگریم، تربیت نسوان را بر مرد مرجح یابیم» (همان: ۵۰)؛ «همه، هم‌تشان مقصور بر تعلم ذکور است و تربیت اناث را وقعی نمی‌نهند... درخواست می‌کنم که در تعلیمات ابتدایی، این مساوات را اقلأ مراعات کنند» (همان: ۵۲)؛ «اصلاح حال امت، منوط به تربیت زنان است» (همان: ۶۹)؛ «زن با مرد اختلافی ندارد، جز در آنچه لازمه اختلاف صنفی است و تعلیم علوم طبیعی و عقلی، زن را به ادای واجبات خانگی و ترقی روح فرزند کمک و مدد می‌دهد» (امین مصری، ۱۳۱۶: ۱۱)؛ «هنوز گروهی عقیده دارند که تعلیم و تربیت برای زن ضروری نیست، بلکه می‌پرسند به حکم شرع، خواندن و نوشتن برای زن رواست یا نه؟» (همان: ۲۷)؛ «شرایع الهی و قوانین وضعی، زن و مرد را یکسان مخاطب خود قرار

داده‌اند. در این شوق چه فرقی بین زن و مرد است؟ هر دو می‌خواهند اسباب حوادث را بفهمند، بلکه شاید حرص دختر به دانستن، بیش از پسر باشد... تکالیف شرعی برای زن و مرد یکسان است و دلالت دارد بر اینکه مرد و زن هر دو دارای عقل و خردند و مرد با انصاف، اندیشه نخواهد کرد که خدای تعالی، عقل را به زن بخشیده و به او تکلیف مالایطاق نموده یا حواس ظاهر و باطن و ادراک به او داده باشد، ولی خواسته باشد هرگز از آنها استفاده نکند» (همان: ۳۴-۳۵)؛ «درحالی که زن، به صفات طبیعی برای تربیت از مرد برتر و قوی‌تر است. در مرحله دوستی، صبر و بردباری او زیادتر و در رفتار از او ملایم‌تر است. همچنین عاطفه و احساسات او از مرد بیشتر است» (همان: ۵۳)؛ «با آنکه تهذیب اخلاق بر تعلیم، مقدم و تعلیم دختر از پسر لازم‌تر است، متأسفانه مردم اساساً از تربیت غافلند و تنها به تعلیم پسر پرداخته و به تعلیم و تربیت دختر توجهی ندارند» (همان: ۵۴)؛ «من تمناً دارم که همان‌طور که در تعلیم پسر دقت می‌شود، در تعلیم دختر نیز مجاهده و کوشش شود» (همان: ۵۵)؛ «در سرشت و آفرینش چه فرقی میان زن و مرد می‌باشد؟» (همان: ۹۷)؛ «من عقیده دارم که جهل عمومی مرد و زن، سبب انحطاط آنان شده و انحطاط آیین نیز از این جهل ناشی گشته» (همان: ۱۰۹). پروین نیز در شعر «فرشته انس» می‌گوید:

به هیچ مبحث و دیباچه‌ای قضا ننوشت برای مرد کمال و برای زن نقصان

(اعتصامی، ۱۳۶۹: بیت ۲)

چه زن، چه مرد، کسی شد بزرگ و کامروا

که داشت میوه‌ای از باغ علم در دامان

(همان: ب ۲۱)

او در شعر «نهال آرزو» نیز، دانش را بر هر زن و مردی واجب دانسته است:

پستی نسوان ایران، جمله از بی‌دانشی است

مرد یا زن برتری و رتبت از دانستن است

(همان: ب ۵)

به که هر دختر بداند قدر علم آموختن
تا نگوید کس پسر هشیار و دختر کودن است

(همان: ب ۶)

و در شعر «آزادی نسوان» از اینکه زنان از حقوق بی بهره مانده‌اند، گله‌مند است:

از چه نسوان از حقوق خویشان بی بهره‌اند؟ نام این قوم از چه دورافتاده از هردفتری؟

(همان: ب ۹)

او در شعر «گنج عفت» از پنهان کردن نور علم و دانش از چشم زنان نالیده است:

از برای زن به میدان فراخ زندگی سرنوشت و قسمتی جز تنگ میدانی نبود
نور دانش را ز چشم زن نهان می‌داشتند این ندانستن ز پستی و گرانجانی نبود

(همان، ۱۳۵۳: ب ۷-۸)

میوه‌های دکه دانش فراوان بود، لیک بهر زن هرگز نصیبی زین فراوانی نبود

(همان: ب ۱۰)

۳. «زن، خانه خود را آنگاه به خوبی اداره تواند کرد که مقداری معلوم از معارف عقلیه و ادبیه فراگیرد و از مبادی علوم و تعلیمات ابتدایی اندک حصه‌ای برد» (امین مصری، ۱۳۱۸ق: ۱۷)؛ «سخت در اشتباه است آنکه اندیشه داشت زن به این معارف اندک (خیاطی، طبّاحی و...) می‌تواند خانه خود را اداره نماید» (همو، ۱۳۱۶: ۲۷)؛ «به عقیده من زن نمی‌تواند خانه را اداره کند جز وقتی که مقداری معین از علوم عقلی و ادبی فرا گیرد» (همان: ۲۷)؛ «در اداره منزل هم مانند هر اداره مهمی، زن بی‌تعلیم و تربیت نمی‌تواند به‌طور شایسته آنجا را اداره نماید... اداره منزل درحقیقت فنی وسیع شده که به معارف گوناگون احتیاج دارد. زن باید دفتر درآمد و هزینه داشته باشد و اقتصاد نماید تا خللی در ثروت خانواده رخ ندهد و مراقب خدمه باشد تا به شایستگی ادای وظیفه کنند» (همان: ۴۷). پروین نیز در شعر «فرشته انس» ویژگی زن نیکوسرشت را چنین بازگو کرده است:

زنِ نکوی نه بانویِ خانه تنها بود طیب بود و پرستار و شحنه و دربان

(اعتصامی، ۱۳۶۹: بیت ۱۷)

۴. «تفوق مرد بر زن در این است که مرد از روزگار پیشین، همواره با افکار و اعمال هم‌داستان بوده و تهیۀ لوازم زندگی را بر ذمت گرفته و زن نتوانسته است قوای بدنی و عقلی خویش را کار فرماید و برحسب اقتضای اوقات و اماکن، مقهور انحطاط گردید» (امین مصری، ۱۳۱۸ق: ۱۵)؛ «دیری برآمد و روزگاری دراز بگذشت که به جهت فقدان تربیت صحیح، قوای عقلیۀ نسوان ضعیف شد و بنیان افکارشان روی به انهدام نهاد، احساسات ایشان میان خیر و شرّ و نفع و ضرّ ممیز گردید. ملکات فاضله و اوصاف ادبیه چون عفت و امانت و صدق و صیانت از میان برفت و صفات رذیله مانند مکر و هواپرستی و خودبینی جای آن بگرفت... از کتاب زندگی جز نقش جهالت نخواندند و جز جنگجویی، صنعتی ندانستند، کور آمدند و کر برفتند و با این همه که گفتیم بر آنان تقصیری نیست. باید پیشینیان را ملامت کرد که امر تربیت را مهمل گذاشتند و از وخامت عاقبت نترسیدند» (همان: ۲۵)؛ «چون از هزاران سال، مرد به فکر و عمل مشغول و زن از هر دو محروم بوده، طبعاً به اقتضای زمان و مکان، نیروی عقلی و بدنی در مرد قوی شد و در زن انحطاط یافت» (همو، ۱۳۱۶: ۲۷)؛ «سالیان دراز، عقل زن تربیت نشد، خرد و فکرش ضعیف و اراده‌اش تابع حسّ ظاهر شد و احساساتش ممیز بین خیر و شرّ گردید» (همان: ۳۵)؛ «تربیت جدید زنان اروپا ثابت کرد که انحطاط و ناتوانی زن، عارضی بوده، نه طبیعی و ذاتی» (همان: ۱۲۱). پروین نیز در شعر «گنج عفت»، بی‌بهره بودن زنان از نور دانش را نوعی «زندانی» بدون زندان و «تنگ میدانی» خوانده است:

زندگی و مرگش اندر کنج عزلت می‌گذشت

زن چه بود آن روزها گر زانکه زندانی نبود؟

کس چو زن اندر سیاهی قرن‌ها منزل نکرد

کس چو زن در معبد سالوس قربانی نبود

(اعتصامی، ۱۳۵۳: ب ۲-۳)

و در ادامه می‌گوید:

از برای زن به میدان فراخ زندگی
سرنوشت و قسمتی جز تنگ میدانی نبود
نور دانش را ز چشم زن نهان می‌داشتند
این ندانستن ز پستی و گرانجانی نبود

(همان: ب ۷-۸)

میوه‌های دکه دانش فراوان بود، لیک بهر زن هرگز نصیبی زین فراوانی نبود

(همان: ب ۱۰)

۵. «حقایق تاریخی، خود دلیلی ظاهر است که پستی قدر نسوان با پستی قدر و تقدّم امت متلازم است» (امین مصری، ۱۳۱۸ق: ۱۲)؛ «نسوان محتاج به تعلیم‌اند تا زادگان خود را تربیت دهند و به وثیقه دین و پرهیزگاری متمسک شوند و از مفاسد بی‌بصیرتی خود را به کناری کشند و به صرفه و اقتصاد عمل کنند و انسانی صاحب اراده باشند» (همان: ۲۰)؛ «فرزند، نهالی است که مرد، پاسبان و زن، باغبان آن است و حقوق مادر بر اولاد، چندین برابر حق پدر است» (همان: ۴۱)؛ «بدیهی است که تار و پود وجود فرزند از پدر و مادر است... و اگر پدر و مادر را قوای بدنی و عقلی و ذهنی به کمال باشد، اولادشان نیز این فضایل را دنبال خواهند کرد» (همان: ۴۳)؛ «کودک، مقلد اعمال و حرکات مادر خود است. اگر مادر، دانا و از رموز تربیت آگاه باشد، راه پرستاری را بداند، البته زاده خود را مسعود گرداند؛ اما اگر نادان باشد و به سائقه جهل، کودک مسکین را که هیچ گناهی از وی سر نزده به حال خود رها کند، عاقبت هیكلی ناهنجار و هیولایی بدکردار بیاراید که همه عمر از وجود خود به ستوه باشد و بر پدر و مادر نفرین کند» (همان: ۴۶)؛ «حکما به تجربت دانسته‌اند که طفل، تمام آداب را از مادر فراگیرد... اما مادر نادان و همنشین بد، نمی‌تواند کودک را به

محاسن رهنمون شود، چه از حسن و قبح خبر ندارد» (همان: ۴۷)؛ «وقتی زن به حقایق علمی آشنا و آگاه شد، می‌تواند خرافاتی را که به عقل وی ضرر می‌زند از خود دور کند و آرای زیبا را به فرزند بیاموزد... من گمان ندارم که اگر زنی به شایستگی تربیت نشود، بتواند وظایف خود را در هیئت اجتماع و خانواده به‌خوبی انجام دهد» (همو، ۱۳۱۶: ۲۸)؛ «تربیت عقلی و بدنی و اخلاقی اولاد به عهده زن است و این وظیفه از تمام وظایف او مهم‌تر است» (همان: ۴۷)؛ «زن نادان، آنچه را نسبت به تربیت اطفال لازم است، نمی‌داند... فرزند، مصنوع پدر و مادر است و مادر در این صنعت، مهم‌ترین شریک است» (همان: ۴۸)؛ «مادر نادان که اخلاق خوب را نشناخته و خود خوی نکو ندارد، چگونه می‌تواند لباس اخلاق به فرزند بپوشاند و او را خوش اخلاق بار آورد؟» (همان: ۵۲)؛ «اگر بگویم بنای بلند و کاخ ارجمندی را که تمدن جدید، ساخته و پرداخته و اصول محکمی را مقرر داشته، همگی مبتنی بر زن است و زن اساس و اصل و بیخ و بن آنهاست، مبالغه نکرده‌ام» (همان: ۱۰۰)؛ «اگر مادر، توانا نباشد فرزند شایسته تربیت کند، محال است دارای رجال شایسته شویم... مرد در جوانی و پیری آن‌طور خواهد بود که مادر او را در کودکی ساخته است... هیئت اجتماعی از خانواده تشکیل شده و زن اساس و بیخ و بن خانواده است، پس برای پیشرفت ملت، ترقی و انحطاط زن، مؤثر و اولین عامل در پیشرفت و تأخیر ملت و مقیاس خانواده است» (همان: ۱۱۹)؛ «زن اگر خردمند و باادب باشد، جمیع خانواده نیکو شده، افراد همدیگر را محترم داشته، همگی به یک نظم و تربیت در دامان مادر و زیر لوای محبت او زندگی نموده و به یکدیگر کمک می‌دهند و این صفات و اخلاق خانواده، عیناً در ملت نمودار خواهد شد... زن، در ترقی و اصلاح ملت بسیار مؤثر است» (همان: ۱۲۰)؛ «برای اصلاح حال ملت، بایست حال زن را اصلاح نمود» (همان: ۱۲۵). پروین نیز در شعر «فرشته آنس»، زن را رکن و پایه اساسی هر زندگی سالم دانسته است:

در آن سرای که زن نیست انس و شفقت نیست
زن از نخست بود رکن خانه هستی

در آن وجود که دل مرد، مرده است روان...
که ساخت خانه بی پای بست و بی بنیان؟
(اعتصامی، ۱۳۱۴: ب ۱ و ۳)

بزرگ بوده پرستار خردی ایشان
سپس به مکتب دانش حکیم شد لقمان
شدند یکسره شاگرد این دبیرستان
نظام و امن کجا یافت ملک بی سلطان...
ز مادر است میسر بزرگی پسران
(همان: ب ۷-۱۰ و ۱۴)

او در شعر «آزادی نسوان»، مادر را نخستین معلم فرزند خطاب کرده است که باید دارای علم و دانش باشد تا بتواند فرزندان دانشوری نیز تربیت کند.

دامن مادر، نخست آموزگار کودک است
طفل دانشور کجا پرورده نادان مادری؟
(اعتصامی، ۱۳۷۰: ب ۱۰)

۶. «چنان که مرد دانا باید در اختیار و انتخاب شریک ایام زندگانی خود بحثی کامل و فحوصی شامل کند، زن دانا را نیز همین حق ثابت است... تا این امتزاج با خرمی و ابتهاج به پایان رود و گرنه سفینه زناشویی در دریای ژرف زواج بشکند و دیری نیاید که هر دو غرقه لجه بی خبری گردند» (امین مصری، ۱۳۱۸ق: ۷۱)؛ «زن، باید رفیق شوهر و در نفع و ضرر شریک او شده، در حوائج زندگی به او کمک دهد تا به قدر ممکن سعادت مند شوند» (امین مصری، ۱۳۱۶: ۴۷). این مسئله که وظیفه هر زن/ همسری است، به نقل از پروین در شعر «فرشته انس» چنین است:

وظیفه زن و مرد ای حکیم دانی چیست؟
یکی است کشتی و آن دیگری است کشتیان
به روزگار سلامت رفیق و یار شفیق
به روز سانه تیمارخوار و پشتیان

(اعتصامی، ۱۳۶۹: بیت ۱۱ و ۱۸)

۷. «مهر قلبی و فرشته خویی و احساسات رقیقه زن، او را به خیرات متوجه می‌سازد» (امین مصری، ۱۳۱۶: ۱۲۲). پروین نیز می‌گوید:

فرشته بود زن آن ساعتی که چهره نمود فرشته بین که بر او طعنه می‌زند شیطان
(همان: ب ۶)

۸. «زن، اگر خواندن و نوشتن تواند و از مقدمات علمیه و تواریخ ملل به قدر مقدور مطلع باشد، صاحب رأی سلیم و فکر مستقیم گردد و خرافات مجعوله و افسانه‌های موهوم در وی اثر نکند» (امین مصری، ۱۳۱۸ق: ۱۷)؛ «مصدر تمام معایب، مرض مسری جهل نسوان است... زنان جاهل، هر قدر بر ثروتشان افزوده شود، بر جهالتشان نیز همان قدر افزوده شود. آنها گمان می‌کنند که زن برای این آفریده شده که همه عمر آسایش کند و خود را آرایش دهد، مرد نیز باید علی‌الدوام، شال کشمیر برد و زربفت و حریر آرد و مروارید و الماس خرد» (همان: ۲۸)؛ «نقص عقل و سایر معایب، همه نتیجه جهالتی است که نسوان با آن هم‌داستان بوده‌اند... هیچ‌وقت نتوان گفت که تعلیم، علت تباهی اخلاق می‌شود... دانایی، بنای صلاح و تقوای زن پرهیزگار را محکم سازد» (همان: ۵۵)؛ «اندیشه زن نادان چنین است که آفرینش مرد برای خدمت به اوست تا لباس و زینت او را آماده کند و اوقات خود را در بازی با وی صرف کند» (همو، ۱۳۱۶: ۳۸)؛ «از نظر زن بی‌علم، بهترین مردم، مردی است که شب و روز با او بازی کند، ثروتی فراوان داشته و لباس و زیور هرچه بخواهد برایش آماده نماید» (همان: ۴۶)؛ «تعلیم، خصوصاً اگر با تربیت اخلاقی توأم باشد، رتبه زن را مرتفع و او را بزرگ و بااهمیت کرده، عقل وی را تکمیل و به فکر و تأمل و دقت در گفتار و کردار توانا می‌سازد» (همان: ۵۸)؛ «عفت و پاکدامنی، ذاتی و طبیعی زن است و اگر پاک‌سرشت و نیکو باشد؛ علم، زیبایی و لیاقت او را افزون می‌کند» (همان: ۵۹)؛ «زن دانا بیش از زن نادان، عاقبت کار را می‌سنجد و از نتیجه آن می‌ترسد... سبک مغزی و عجله از اخلاق زن نادان و لازمه نادانی است» (همان: ۶۰)؛

«تربیت عقل و اخلاق، حافظ زن است و جهل هیچ وقت پاسبان او نیست» (همان: ۶۳). پروین اعتصامی نیز در شعر «فرشته انس» به این مسئله اشاره کرده است:

زنی که گوهر تعلیم را نخرید فروخت گوهر عمر عزیز را ارزان...
چه حُله‌ای است گران‌تر ز حلیت دانش؟ چه دیبه است نکوتر ز دیبه عرفان؟...
نه بانو است که خود را بزرگ می‌شمرد به گوشواره و طوق و به یاره و مرجان
چو آب‌ورنگ فضیلت به چهره نیست چه سود؟ ز رنگ جامه زربفت و زیور رخشان
برای گردن و دست زنِ نکو، پروین! سزاست گوهر دانش، نه گوهر الوان
(اعتصامی، ۱۳۱۴: ب ۲۳، ۳۵، ۳۷-۳۹)

چراکه علم و دانش برتر از هر جواهری است. به همین دلیل باز در شعر «گنج عفت»، آن را یادآور شده است:

آب‌ورنگ از علم می‌بایست شرط برتری
با زمرد پاره و لعل بدخشانی نبود
از زر و زیور چه سود آنجا که نادان است زن؟
زیور و زر، پرده‌پوش عیب نادانی نبود

(اعتصامی، ۱۳۵۳: ب ۱۷ و ۱۳)

نتیجه بحث

با توجه به شعرهای پروین اعتصامی و بررسی اندیشه‌های او در باره مسئله تعلیم و تربیت زنان، به شباهت‌های بسیاری بین او و نوشته‌ها و اندیشه‌های قاسم امین مصری برخورد کردیم که دلیل عمده آن، تأثیر فضا و دورانی است که پروین در آن پرورش یافته و تأثیرپذیری او از ترجمه‌های پدرش از آثار مختلف ادبی به‌خصوص کتاب «تحریر المرأة» قاسم امین و سپس ترجمه احمد مهندب از این کتاب است. همچنین شباهت بسیار اوضاع سیاسی و اجتماعی کشورهای عربی و ایران در زمان

مشروطه و بعد از آن و مسایل پیش روی جامعه، ادبیات و دغدغه‌های ادیبان و گذر از سنت و رسیدن به مدرنیته در پی تحولات اجتماعی و آشنایی با غرب، در ایران و جهان عرب می‌تواند از عوامل این شباهت باشد.

در مجموع، در شعرهایی که از پروین اعتصامی در مورد تعلیم و تربیت زنان بررسی شد، نشانه‌های بسیار بارزی از تأثیرپذیری او از زبان و اندیشه‌های قاسم امین مصری در این باره به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم مشاهده شد و به این نکته رسیدیم که فکر و عقیده هر دو ادیب مورد نظر در این باره در بعضی از مواردی که یاد شد، بسیار به هم شبیه است؛ اگرچه تفاوت‌هایی نیز بین اندیشه‌های آنها دیده می‌شود. از جمله اینکه؛ قاسم امین، زنان غرب را الگویی کامل می‌داند که باید همه زنان مصری از آنها در همه زمینه‌ها الگوبرداری کنند، در حالی که پروین، زنان را از تقلید صرف از زنان غرب برحذر می‌دارد و بر تربیت اسلامی آنها و حفظ ملیت خود و عفت و تقوا تأکید زیادی دارد. در عین حال، شیوه پروین، بهره‌گیری از موضوعات و متن‌هاست و نه برگردان آنها. پروین در سخن خویش راه خود را یافته و حتی در اشعاری که از ناصر خسرو یا سنایی یا دیگران سرمشق گرفته، باز هم خودش است که سخن می‌گوید؛ حتی اگر لغت و دست‌آویز کلامش از سخن دیگران باشد. در شعر او، اگرچه گاهی مضمون از دیگری مثلاً قاسم امین مصری است؛ حال و هوا و شیوه او، گفتار را به سبک خودش (پروین) درآورده است و صمیمانه کوشیده تا جامعه دیگران بر تن سخن خویش نکند و از فراختای اندیشه خود کمک بگیرد.

کتابنامه

- آرین‌پور، یحیی. (۱۳۸۲ الف). *از صبا تا نیما*. ج ۲. تهران: انتشارات زوآر. چاپ هشتم.
- (۱۳۸۲ ب). *از نیما تا روزگار ما*. ج ۳. تهران: انتشارات زوآر. چاپ چهارم.
- آزاد مراغه‌ای، میرزا ابوالقاسم. (۱۳۰۸). «اسناد خطی فارسی درباره فواید تعلیم و تربیت زنان»، تهران: کتابخانه شماره ۲ مجلس، شماره مدرک ۷/۸۳/۸/۱/۱۷.

- استرآبادی، بی بی خانم. (۱۳۱۲). *معايب الرجال*. تهران.
- اعتصامی، ابوالفتح. (۱۳۲۱). *مجموعه ماهنامه بهار*. ج ۱. تهران: چاپخانه مجلس.
- اعتصامی، پروین. (۱۳۱۴). *دیوان پروین اعتصامی*. تهران: مطبوعه مجلس، چاپ اول.
- (۱۳۵۳). *دیوان پروین اعتصامی*. تهران: ناشر ابوالفتح اعتصامی. چاپ ششم.
- (۱۳۶۹). *دیوان پروین اعتصامی*. به کوشش: احمد کریمی. تهران: یادگار.
- (۱۳۷۰). *دیوان پروین اعتصامی*. به کوشش: رحیم چاووشی اکبری. تهران: نشر محمد. چاپ سوم.
- الفاخوری، حنا. (۱۳۸۷). *تاریخ الأدب العربی*. تهران: نشر طوس. چاپ پنجم.
- امین مصری، قاسم. (۱۹۹۴م). «بین الادب و القضية». بیروت: دارالکتب العلمیه.
- (۱۳۱۶). *تحریر المرأة. زن و آزادی*. ترجمه سید احمد مهدب. تهران: چاپخانه مرکزی تهران.
- (۱۳۱۸ق). *تحریر المرأة. تربیت نسوان*. ترجمه میرزا یوسف خان مستوفی (اعتصامی). تبریز: مطبوعه معارف.
- برقعی، سید محمدباقر. (۱۳۲۹). *سخنوران نامی معاصر*. تهران: نشر امیرکبیر.
- بطحایی، سیدهاشم (۱۳۸۶) «مروری بر حقوق زن و مرد از نظر اسلام و ملل و نحل»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*. تهران: شماره ۱۵۸.
- پشمی، منیر (۱۳۸۵) «زن در اشعار پروین اعتصامی»، *کنگره ملی پروین اعتصامی*.
- جدعان، فهمی. (۱۹۸۸م). *اسس التقدّم عند مفکری الإسلام فی العالم العربی الحدیث*. عمان: دارالشروق. چاپ سوم.
- جعفریان، رسول. (۱۳۸۰). «مسئله حجاب و تأثیر اندیشه‌های قاسم امین مصری در ایران»، *مجله آینه پژوهش*، شماره ۷۰، مهر و آبان.
- حقیقت (رفیع)، عبدالرفیع. (۱۳۶۸). *تاریخ نهضت‌های فکری ایرانیان در دوره قاجار*. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- حورانی، آلبرت. (۱۹۹۷م). *الفکر العربی فی عصر النهضة*. ترجمه کریم عزقول. بیروت: دارنوفل.
- دولت‌آبادی، صدیقه (۱۳۰۶) «فقر ابدی نتیجه بی علمی است»، *مجله عالم نسوان*. تهران سال هفتم، ش ۱۲.

- رستگار فسایی، منصور. (۱۳۸۰). *انواع نشر فارسی*. تهران: انتشارات سمت.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۷). *با کاروان حله*. تهران: انتشارات علمی. چاپ یازدهم.
- ژوزفین (ژزی خانم) (۱۳۳۸) «اساس انقلاب اجتماعی، تربیت زنان»، *روزنامه کاوه*. شماره ۶.
- ستاری، جلال. (۱۳۷۵). *سیمای زن در فرهنگ ایران*. تهران: نشر مرکز.
- سرداری نیا، صمد. (۱۳۷۹). *مشاهیر آذربایجان*. تهران: انتشارات شایسته.
- شیرازی، زندخت (۱۳۱۱) «نقش تعلیم و تربیت در عفت و پاکدامنی»، *مجله دختران ایران*. تهران: سال اول، ش ۳.
- صدر، کشاورز. (۱۳۳۴). *از رابعه تا پروین*. تهران: انتشارات کاویان.
- صفا، ذبیح الله. (۱۳۴۰). *گنج سخن*. تهران: کتابخانه ابن سینا. چاپ دوم.
- عماره، محمد. (۱۹۸۹م). *الأعمال الكاملة*. قاهره: دارالشروق.
- عنایت، حمید. (۱۳۶۲). *اندیشه سیاسی در اسلام معاصر*. تهران: نشر خوارزمی.
- قزوینی، محمد (۱۳۱۴) «دیوان پروین اعتصامی به قلم محمد قزوینی از پاریس»، *مجله مهر*. تهران: سال سوم، شماره ۹.
- کخاله، عمر رضا. (۱۳۹۹ق). *المرأة فی التقدیم والحديث*. دمشق.
- محمدهاشم، میرزا «افسر». (۱۳۲۱). *دیوان اشعار*. به کوشش: عبدالرحمن پارسا تویسرکانی. تهران: چاپخانه مجلس.
- ممتحن، مهدی؛ محبوبه بهمنی (۱۳۹۱) «بررسی تطبیقی اندیشه‌های علامه اقبال لاهوری و امیرالشعرا شوقی»، *فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی، دانشگاه آزاد اسلامی جیرفت*. سال ششم، ش ۲۴.
- المنفلوطی، مصطفی لطفی. (۱۹۵۶م). «المعبرات». بیروت: دارالثقافة.
- منگنه، نورالهدی (۱۳۰۲) «لزوم تربیت نسوان»، *مجله جمعیت نسوان وطن خواه*. سال اول، ش ۱.
- المیلاد، زکی (۱۳۸۱) «اندیشه‌های معاصر عرب و نواندیشی در مسایل زنان»، ترجمه عبدالله امینی، *مجله پیام زن*. شماره ۲۲.
- نمینی، حسین. (۱۳۶۲). *جاودانه پروین اعتصامی*. تهران: نشر کتاب فرزاد.
- یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۷۶). *چون سبوی تشنه*. تهران: نشر جامی. چاپ چهارم.